

بیانیه کنفرانس سیزدهم سازمان فداییان (اقلیت) پیرامون افزایش احتمال جنگ و راه مقابله با آن - انقلاب را بدیل جنگ قرار دهیم

کارگران و زحمتکشان! مردم مبارز ایران!

نزاع جمهور اسلامی با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای به مرحله‌ای خطرناک رسیده است. تهدیدات نظامی جنگ‌افروزان فرونی گرفته است. رویدادهای سیاسی اخیر در ارتباط با این نزاع، به وضوح تشدید تضادها و اختلافات را نشان می‌دهد.

آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در گزارش اخیر خود، برای نخستین بار از تلاش مخفیانه‌ی جمهوری اسلامی برای تولید سلاح هسته‌ای و تهدید صلح و امنیت جهانی، سخن به میان آورده است. مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه عربستان سعودی را در مورد تروریسم تصویب کرد که در آن، از تنها دولتی که نام برده شده، جمهوری اسلامی ایران است.

دولت آمریکا رسماً جمهوری اسلامی را متهم کرده است که قصد انجام اقدامات تروریستی در خاک این کشور را داشته است. مجمع عمومی سازمان ملل، در قطعنامه دیگری جمهوری اسلامی را در ارتباط با نقض حقوق بشر محکوم کرد. شورای امنیت سازمان ملل نیز قطعنامه‌ای در محکومیت حمله به سفارت انگلیس صادر نمود. در پی تعطیل سفارت انگلیس در ایران، برخی دولت‌های اروپایی سفرای خود را از تهران فرا خوانده‌اند. تحریم‌های اقتصادی و سیاسی تشدید شده است و پس از تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی، آمریکا و اروپا در تدارک تحریم خرید نفت از جمهوری اسلامی هستند. تمام این شواهد که نشان‌دهنده تشدید تضادها و هموار ساختن راه برای درگیری‌های آینده است، پس از آن به وقوع پیوسته است که دیپلماسی مذاکره و سازش برای حل اختلافات به بن‌بست رسید و با شکست روبرو گردید. با این اوصاف، هیچ چشم‌اندازی برای تخفیف تضادها و حل و فصل اختلافات از طریق مذاکره و دیپلماسی باقی نمانده است. تجربه مکرراً نشان داده است که وقتی دولت‌های ارتجاعی نتوانند از طریق دیپلماسی اختلافات خود را حل کنند، جنگ در دستور کار قرار می‌گیرد.

این که چرا این اختلافات در طول چندین سال گذشته نتوانست از طریق دیپلماسی و سازش حل شود، به علت اهداف و منافع متضادیست که طرفین نزاع دنبال می‌کنند.

آن‌ها برای پوشیده نگه داشتن اهداف واقعی خود از چشم توده‌های مردم، نزاع هسته‌ای را دستاویز قرار داده و برجسته کرده‌اند. در واقعیت، اما در پشت نزاع هسته‌ای، اختلافات اساسی‌تری نهفته است که برخاسته از منافع اقتصادی و سیاسی و از سیاست‌های توسعه‌طلبانه و برتری‌طلبانه آن‌هاست. جمهوری اسلامی به عنوان یک دولت دینی پان‌اسلامیست، برای کسب برتری سلطه‌طلبانه در منطقه‌ی خاورمیانه و استقرار یک امپراتوری اسلامی یا به ادعای مقامات رژیم، دولت و امت واحده اسلامی تلاش می‌کند.

این سیاست خارجی پان‌اسلامیستی در تضاد و تقابل با سیاست قدرت‌های امپریالیست آمریکایی و اروپایی قرار دارد که آن‌ها نیز در پی اهداف اقتصادی و سیاسی خود، سیاستی توسعه‌طلبانه را در منطقه‌ی خاورمیانه دنبال می‌کنند. لذا در نتیجه‌ی تقابل این دو سیاست، نتوانسته و نمی‌توانند اختلافات خود را از طریق مذاکره، سازش و عقب‌نشینی حل کنند.

امپریالیسم در ذات و ماهیت خود با سلطه‌گری و توسعه‌طلبی عجین است و قدرت‌های امپریالیست، منافع اقتصادی و سیاسی مهمی در خاورمیانه دارند. لذا بنا به ماهیت خود و البته برتری همه‌جانبه‌ی نظامی، سیاسی و اقتصادی بر جمهوری اسلامی، نه فقط حاضر به دادن امتیازاتی که جمهوری اسلامی خواهان آن است، نشدند، بلکه اساساً برای تابع کردن آن به سیاست‌های خود تلاش نمودند. جمهوری اسلامی نیز نمی‌تواند عقب‌نشینی کند، چرا که این عقب‌نشینی معنای دیگری جز دست برداشتن از تمام ادعاهای پان‌اسلامیستی و توسعه‌طلبانه نخواهد داشت.

روزی که خامنه‌ای خطاب به جناح‌های جمهوری اسلامی گفت: بر سر نزاع هسته‌ای نباید عقب‌نشینی کرد چرا که عقب‌نشینی‌های دیگر را در پی خواهد داشت، راز دستاویز قرار گرفتن غنی‌سازی اورانیوم و حل نشدن اختلافات را برملا کرد. او پنهان نکرد که کوتاه آمدن بر سر غنی‌سازی اورانیوم و پرونده هسته‌ای، به معنای عقب‌نشینی در سیاست خارجی و دست برداشتن از اهداف پان‌اسلامیستی خواهد بود. اما سیاست خارجی، ادامه‌ی سیاست داخلی‌ست. عقب‌نشینی و شکست در سیاست خارجی، عقب‌نشینی در سیاست داخلی را در پی خواهد داشت. در آن صورت، دیگر جمهوری اسلامی وجود نخواهد داشت، ولو این که نام آن همچنان جمهوری اسلامی باقی مانده باشد. از همین روست که خامنه‌ای هر گونه سازش و عقب‌نشینی را بر سر پرونده هسته‌ای ممنوع اعلام کرد.

بنابراین روشن است که منافع و سیاست‌های ارتجاعی دولت‌های درگیر یعنی از یک سو جمهوری اسلامی و در سوی دیگر آن امپریالیسم آمریکا و متحدین اروپایی و منطقه‌ای آن، اختلاف و درگیری را به نقطه‌ای رسانده است که خطر وقوع جنگ به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است.

با این همه، هنوز فرصت باقی‌ست. توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران می‌توانند جلو وقوع جنگی را که جمهوری اسلامی، قدرت‌های امپریالیست و نیز برخی دولت‌های منطقه در تدارک برافروختن آن هستند، بگیرند.

کارگران و زحمتکشان! مردم مبارز ایران!

خطر جدی‌ست! ما شرکت‌کنندگان در کنفرانس سیزدهم سازمان فداییان (اقلیت) وظیفه خود می‌دانیم که از هم اکنون هشدار دهیم که یک چنین جنگی برای عموم توده‌های مردم ایران فاجعه‌بار خواهد بود. آگاه باشید که اگر این جنگ رخ دهد، جنگی میان دو دولت هم قد و قواره، نظیر جنگ دولت‌های ایران و عراق نخواهد بود که چندین سال به درگیری‌های نظامی در مناطق مرزی محدود بماند. نمونه‌های اشغال نظامی عراق و افغانستان نشان داد که این جنگی با بمباران مداوم شهرها خواهد بود. در یک سوی این جنگ، قدرت‌های امپریالیست با پیشرفته‌ترین سلاح‌های مخرب کشتار جمعی، به همراه متحدین منطقه‌ای خود از نمونه‌ی دولت‌های اسرائیل و عربستان قرار دارند و در سوی دیگر آن جمهوری اسلامی قرار گرفته است که می‌خواهد ضعف نظامی خود را با تبدیل کردن مردم شهرها به سپر انسانی در برابر بمباران و موشک‌باران جبران نماید. نتیجه اما، جز کشتار وسیع مردم ایران و نابودی شهرها، کارخانه‌ها و تأسیسات زیربنایی کشور نخواهد بود.

امروزه هستند افراد و گروه‌هایی از میان اپوزیسیون جمهوری اسلامی که در نقش هم‌دست قدرت‌های امپریالیست عمل می‌کنند و با توجیحات پوشالی نجات مردم ایران از شر جمهوری اسلامی و به ارمغان آوردن آزادی و دموکراسی، از حمله نظامی به ایران و برافروخته شدن جنگ دفاع می‌کنند، اینان عاملین امپریالیسم‌اند و همچون جمهوری اسلامی دشمن مردم ایران هستند. امپریالیسم، همواره دشمن آزادی و رهایی توده‌های کارگر و زحمتکش در سراسر جهان بوده است. قدرت‌های امپریالیست هرگز آزادی و دموکراسی و رفاه را برای مردم کشورها به ارمغان نیاورده‌اند. ارمغان آن‌ها همواره جنگ، ویرانی، استبداد، خفقان و اسارت ملت‌ها بوده است. نباید هرگز نقشی را که قدرت‌های امپریالیست در اسارت ما مردم ایران در چنگال ستم‌گران حاکم کنونی و پیش از آن داشته‌اند، فراموش کرد. وضعیت عراق و افغانستان هم در دو سوی مرزهای ایران گواه روشنی‌ست بر فجایعی که امپریالیسم به بهانه‌ی رهایی مردم این کشورها از چنگ دیکتاتورها، به بار آورده است.

ما مردم ایران رهایی از چنگال ستم‌گران حاکم بر ایران را با مبارزات خودمان به دست خواهیم آورد.

کارگران و زحمتکشان! مردم مبارز ایران!

دولت‌های سرمایه‌داری بر کوره‌ی دشمنی میان ملت‌ها و برافروختن آتش جنگ‌ها می‌دمند. ما نباید اجازه دهیم که آن‌ها جنگی را برافروزند و به ما تحمیل کنند که همانند جنگ ۸ ساله، ما را قربانی اهداف و مقاصد ارتجاعی خود کنند. صدها هزار نفر را به قتل‌گاه بفرستند. میلیون‌ها تن را معلول کنند. خانه و

زندگی‌مان را بر سرمان خراب نمایند. روستاها و شهرها را ویران کنند و بعد هم با یکدیگر صلح و سازش کنند.

در برابر ما توده‌های مردم که مخالف یک جنگ ارتجاعی دیگر هستیم، تنها یک راه برای مقابله با جنگ وجود دارد و آن قیام و انقلاب برای سرنوشتی جمهوری اسلامی‌ست. ما نه فقط با قیام خود قادریم به موجودیت رژیم ستمگر حاکم بر ایران پایان دهیم و به اهداف و مطالباتمان دست یابیم، بلکه با پایان دادن به سیاست‌های توسعه‌طلبانه، ماجراجویانه و جنگ‌افروزانه جمهوری اسلامی، بهانه دخالت نظامی و وقوع جنگ را از قدرت‌های جنگ‌طلب امپریالیست، خواهیم گرفت.

فقط با این اقدام است که ما می‌توانیم مانع از وقوع جنگ و فجایع ناشی از آن گردیم.

درنگ جایز نیست. اگر اوضاع بر همین منوال پیش رود، جنگ رخ خواهد داد و فاجعه به بار خواهد آورد. گرچه آن‌گاه باز هم ما با همین وظیفه تبدیل جنگ به انقلاب برای پایان دادن به جنگ روبرو خواهیم بود، منتها با خسارات عظیمی که سال‌ها نتوان آن‌ها را جبران کرد.

به پا خیزید! و از هم اکنون انقلاب را بدیل جنگ قرار دهید!

نابود باد جنگ – زنده باد انقلاب

شرکت‌کنندگان در کنفرانس سیزدهم سازمان فداییان (اقلیت)